

کتاب پرگار

www.ketab.ir

به سوی فلسفه‌ای برای عکاسی

نویسنده: ویلم فلوئر •• مترجم: علی صارمی •• ویراستار: افشین لطفی

ناشر: کتاب پرگار •• نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱ •• شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه آرای: کوروش شبگرد •• طراحی جلد: نسیم برجیان •• مدیر تولید: آرش کمالی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۴-۲۵-۱

مرکز توزیع: کتاب پرگار ۰۹۱۲۵۳۴۷۸۴۵ - ۰۲۱۶۶۹۶۲۴۳۲

فروشگاه اینترنتی: www.pargarbook.com

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: به سوی فلسفه‌ای برای عکاسی / ویلم فلوستر؛ ترجمه علی صارمی.

سرشناسه: فلوستر، ویلم، ۱۹۲۰ - ۱۹۹۱ م. Flusser, Vilem

مشخصات نشر: تهران: کتاب پرگار، ۱۴۰۰ ● مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص

عنوان اصلی: Towards a philosophy of photography, 2000

عنوان دیگر: دریاب فلسفه عکاسی. ● شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۶۲۴۲۵۱

شناسه افزوده: صارمی، علی، ۱۳۵۸، مترجم

موضوع: عکاسی - فلسفه Photography - Philosophy

رده‌بندی دیویی: ۷۰۷/۱ ● رده‌بندی کنگره: TR۱۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۷۴۱۸۷ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا



کتاب حاضر نخستین بار با عنوان دریاب فلسفه عکاسی با ترجمه پویک بایرامی توسط انتشارات حرفه هنرمند در سال ۱۳۸۶ فیپا گرفته است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۷	مقدمه
۱۹	اول: تصویر
۲۹	دوم: تصویر تکنیکی
۳۹	سوم: آپاراتوس عکاسی
۵۵	چهارم: عمل عکاسی کردن
۶۵	پنجم: عکس
۷۵	ششم: پخش عکس
۸۷	هفتم: دریافت عکس
۹۹	هشتم: جهان عکاسی
۱۱۳	نهم: ضرورت فلسفه‌ای برای عکاسی
۱۲۳	دهم: واژه‌نامه
۱۳۱	پی‌نوشت‌ها
۱۳۹	پسگفتار ترجمه انگلیسی
۱۴۹	معنای چهارم تصویر: (دعوت فلوئر برای تصور جهان)

مقدمه مترجم

من عاشق زبان هستم. عاشق زیبایی اش، غنایش، رازآلودگی، و افسونش. فقط وقتی واقعا خودم هستم که حرف می‌زنم، می‌نویسم، می‌خوانم، یا وقتی زبان در درونم نجوا می‌کند و مشتاق است که به بیان درآید، اما همچنین به خاطر فرم نمادینش که هستی در آن می‌زید، در حجاب می‌رود، و آشکار می‌شود. راهی است که به واسطه‌اش با دیگران ارتباط برقرار می‌کنم، زمینه‌جاودانگی و دوام است، موضوع و ابزار هنر است. زبان تعهد من است. با زبان است که واقعیت را درک می‌کنم و از طریق خود زبان است که به سوی افق و شالوده‌هایش و خاموشی و صف‌ناپذیری می‌لغزم. فرم آیینی من است. شاید هم راهی است که خودم را در آن گم می‌کنم.

ویلم فلوسر

ویلم فلوسر، فیلسوف و نویسنده اهل جمهوری چک امروزی، در ماه مه ۱۹۲۰ در یک خانواده یهودی در پراگ به دنیا آمد. خانواده او اهل شهر کوچکی در منطقه بوهم^۱ بودند، جایی که پدرش به شوخی درباره آن می‌گوید: «بوهم مرکز اروپا است. دهکده‌ای که ما در آن زندگی می‌کردیم مرکز بوهم است. در میدان مرکزی یک چراغ وجود دارد، بنابراین اگر به آن چراغ نگاه کنید به مرکز جهان می‌نگرید.»

۱. بوهم (در زبان چک: Čechy، به آلمانی: Böhmen) سرزمینی تاریخی در اروپای مرکزی است که امروزه در بخش غربی جمهوری چک جای گرفته است. این سرزمین به صورت یک پادشاهی در قلمرو امپراتوری روم اداره می‌شد و بعدها به عنوان استانی به امپراتوری هابسبورگ اتریش ضمیمه شد. از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹ و دوباره از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۲، این سرزمین جزئی از خاک کشور چکوسلواکی محسوب می‌شد و از ۱۹۹۳ به بعد بیشتر خاک کشور چک را در بر گرفته است. بوهم، به عنوان بخشی از اروپا، کانون برخورد تضادهای مذهبی و قومی بوده و این خود عاملی مؤثر در توسعه فرهنگی این سرزمین است. عامل تعیین‌کننده در فرهنگ بوهم نفوذ چندجانبه بخش‌هایی از فرهنگ آلمانی، فرهنگ چکی، و فرهنگ یهودی است. نویسندگان مهمی همچون فرانزس کافکا، یاروسلاو هاشک، کارل چاپک، میلان کوندرا، و موسیقی‌دان مشهور گوستاو مالر زاده و پرورش‌یافته فرهنگ بوهم هستند.